

ترجمه یا تخریب؟

مقایسه دو ترجمه از یک اثر

داستان *The Very Hungry Caterpillar* اثر نویسنده و تصویرگر هنرمند، اریک کارل، توسط دو مترجم «کتایون صدرنیا»، سال ۱۳۷۲ و «نوشین کمالوند»، با بازنویسی فاطمه نظری، در سال ۱۳۷۹ به بازار نشر کودک و نوجوان آمده است.

در این داستان روزهای هفته، شمارش اعداد و چگونگی دگرپسندی کرم ابریشم به پروانه با کلام و تصویر، برای مخاطب پیش دبستانی روایت می‌شود. داستان با تکنیک کلان در هماهنگی نزدیک با موضوع داستانی، آفریده شده است. کرم ابریشم کوچولویی که از تخم بیرون می‌آید، به راه می‌افتد تا غذا پیدا کند. او با سوراخ کردن خوراکی‌ها آنها را می‌خورد، می‌خورد، می‌خورد تا کرم ابریشم بزرگ چاق و چله‌ای می‌شود. سپس پيله‌ای به دور خود می‌تند و پس از دو هفته، پيله را سوراخ می‌کند و از آن بیرون می‌آید. او حالا یک پروانه زیباست.

حال می‌پردازیم به مقایسه دو ترجمه یادشده از این اثر. برای پیشبرد بهتر این مقایسه، از جدول‌هایی استفاده کردیم که در هر ستون آن، معادل‌های یکی از دو مترجم ذکر شده است.

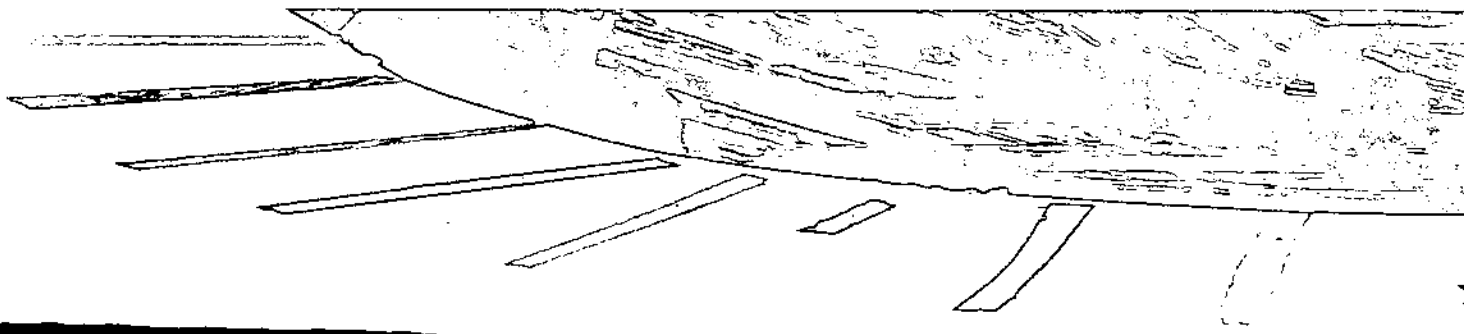
○ شکوه حاجی نصرالله



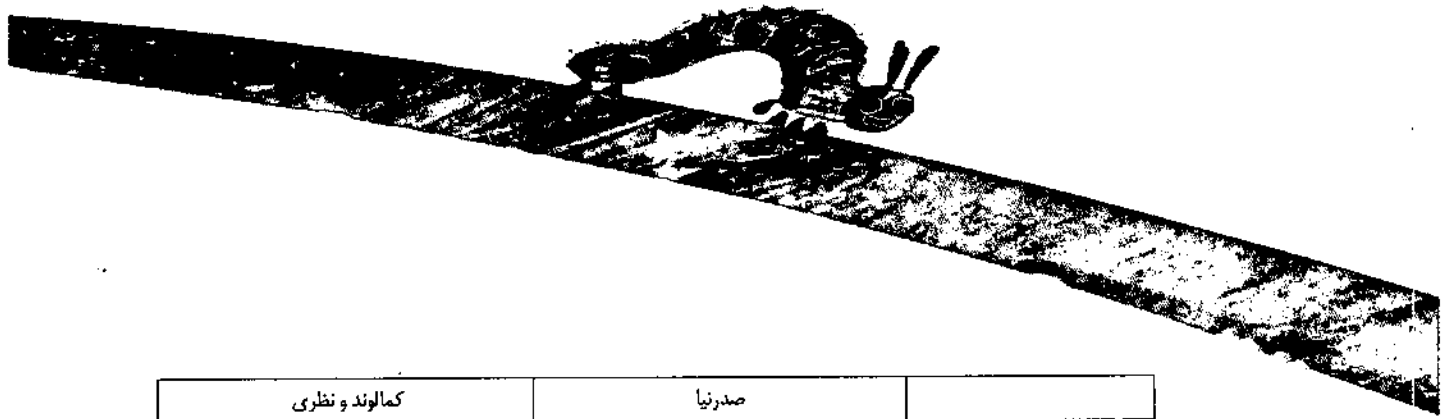
عنوان کتاب: کرم ابریشمی که سیر نمی‌شد
نویسنده: اریک کارل
مترجم: نوشین کمالوند
بازنویس: فاطمه نظری
ناشر: گلبن
نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۲ صفحه
بها: ۲۰۰ تومان



عنوان کتاب: کرم ابریشم بسیار گرسنه
نویسنده و تصویرگر: اریک کارل
مترجم: کتایون صدرنیا
ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
نوبت چاپ: دوم - ۱۳۷۲
شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۸ صفحه
بها: ۴۸ تومان



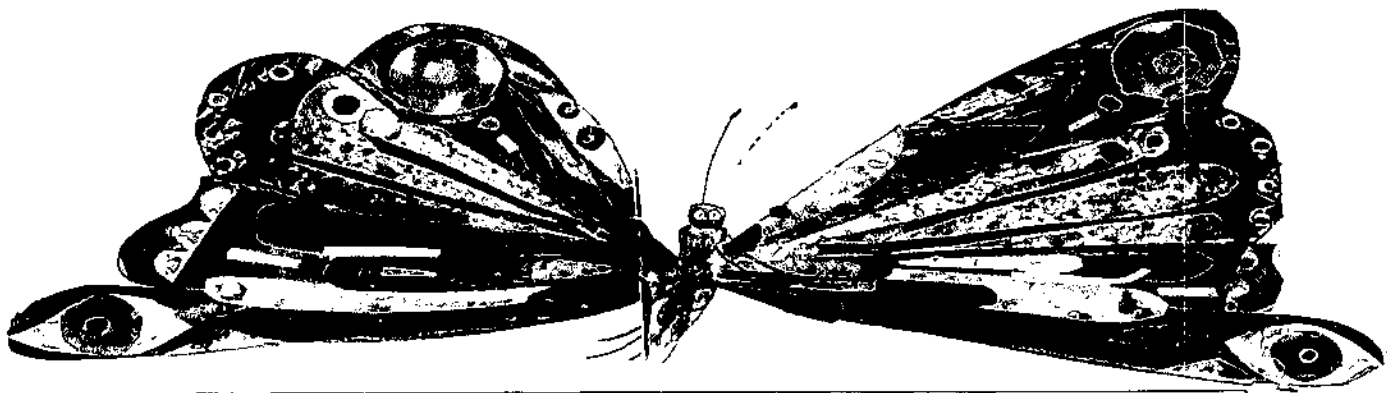
عنوان اثر	صدرنیا	کمالوند و نظری
عنوان اثر	کرم ابریشم بسیار گرسنه این عنوان، در عین ارتباط با موضوع داستان، جاذب و سؤال برانگیز است، در حالی که موضوع داستانی را افشا نمی‌کند.	کرم ابریشمی که سیر نمی‌شد این عنوان که تحریف آشکار عنوان اصلی است، موضوع داستان را افشا می‌کند. بدین ترتیب، یکی از عناصر ساختاری و کارکرد آن آسیب جدی می‌بیند.
قطع کتاب	یک چهارم قطع کتاب	استر بدرقه و صفحه نیم عنوان
استر بدرقه و صفحه نیم عنوان	مخاطب با عبور از صفحه سفید و آستر بدرقه و صفحه نیم عنوان که تا نیمه از قطعات گرد رنگارنگ شکل گرفته، به درون کتاب می‌رود.	مخاطب با عبور از صفحه نیم عنوان، حذف شده است. مخاطب با ورق زدن جلد، در صفحه پشت جلد، به مدار داستان وارد می‌شود.
صفحه بندی	فرم در صفحه بندی کتاب و پله پله شدن صفحات کتاب، با مضمون هماهنگی دارد. در این قالب هنرمندانه و بسیار زیبا، مفهوم روزهای هفته ارائه شده است. به عبارتی، شمارش اعداد، با تعداد میوه‌های تصویر شده و روزهای هفته، با پله پله شدن صفحات، قابل مشاهده است.	در این ترجمه، این فرم بندی حذف شده است؛ زیرا با بازنویسی، متن افزایش یافته و از طرفی، با کوچک شدن قطع کتاب، امکان ایجاد این فرم و قالب زیبا، وجود نداشته است. حذف پله سازی در صفحات تشریحی، در واقع، حذف بخشی از تصویر سازی داستان است.
متن در تصویر اول	«در پرتو ماه، روی برگ درختی، تخم کوچکی گذاشته بود.» - در این متن، فضاهای خالی برای تصویر وجود دارد. به عبارتی، شب مهتابی، رنگ برگ و رنگ تخم را زبان تصویر بیان می‌کند. - در گزاره «تخم کوچکی گذاشته شد»، با به کارگیری فعل «گذاشته شد»، بار معنایی و مفهوم خاصی پدید آمده است. به این ترتیب، این سؤال در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که «چه کسی تخم را گذاشته؟» و با ادامه داستان و دگر دیسی کرم ابریشم، این سؤال دوباره در ذهن مخاطب جان می‌گیرد: «آیا پروانه‌ای دیگر آن تخم را گذاشته؟»	«یکی بود یکی نبود. در یک شب مهتابی، روی برگ سبز درختی، یک تخم سفید بود.» - در این متن، تصویر معنی شده: شب مهتابی، برگ سبز و تخم سفید سه عنصر اطلاعاتی است که مخاطب، با مشاهده تصویر، آن را می‌یابد. در این روش ترجمه، یکی از کارکردهای داستان تصویری، یعنی خواندن تصویر که یکی از مهارت‌های مطرح برای کودکان است، حذف می‌شود. - جایگزینی گزاره «یک تخم سفید بود»، با گزاره «تخم کوچکی گذاشته شد» بار معنایی را که در ترجمه صدرنیا، به مخاطب منتقل می‌شود، حذف کرده است. فعل «بود» چون حکمی است که مقابل ذهن مخاطب دیوار می‌کشد و طرح داستانی را مخدوش می‌کند.
متن در تصویر دوم	«صبح جمعه، خورشید طلوع کرد و - پوپا - کرم ابریشم کوچولوی بسیار گرسنه از تخم بیرون آمد.» - رابطه و هماهنگی و ریتم، در متن و تصویر حفظ شده است. به کارگیری «پوپا»، صدای شکستن تخم را به گوش مخاطب می‌رساند. شکل قرارگیری گزاره «صبح جمعه خورشید طلوع کرد» و کلمه «پوپا»، هارمونی زایش و ارتباط میان طلوع خورشید و گذشت زمان و بیرون آمدن کرم از درون تخم را نشان می‌دهد. - گزاره‌های کوتاه و تأثیر گذاری که با شناخت عمیق اریک کارل، نویسنده و تصویرگر هنرمند خلق شده، آن را در ذهن مخاطب حک می‌کند.	«روز جمعه بود و آفتاب گرم و روشنی می‌تابید. ناگهان با صدایی تخم کوچک شکست و یک کرم ابریشم گرسنه و کوچولو بیرون آمد.» - در این ترجمه، گزاره‌های کوتاه و تأثیر گذار حذف شده و قالب زیبایی گزاره‌ها و ارتباط آنها با هم، به هم ریخته است. - مترجم به کارگیری کلمات و گزاره‌هایی چون «آفتاب»، «گرم»، «روشنی»، «می‌تابید» «ناگهان با صدایی تخم شکست» تصویر را معنی کرده است.



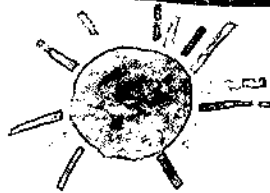
کمالوند و نظری	صدرنیا	
<p>«کرم ابریشم راه افتاد تا برای خودش غذا پیدا کند. چون واقعاً گرسنه بود»</p> <p>... گزاره هایی چون «واقعاً گرسنه بود» که با بازنویسی، به متن کتاب افزوده شده است، چراهایی را که در طرح هنرمندانه داستان ایجاد شده است، حذف می‌کند. با این روش تخیل کودک مسدود می‌شود و گفت و گویی بین خواننده و اثر شکل نمی‌گیرد.</p> <p>... اضافه کردن فاعل «کرم ابریشم» به جمله، با توجه به اینکه در مدار داستانی، تنها یک شخصیت وجود دارد، عملی غیرضروری است که به قالب زیبای داستان آسیب می‌رساند.</p> <p>... در این ترجمه، چشم‌انداز کرم ابریشم و مخاطب، تنها یک سیب است که در صفحه مقابل وجود دارد. با این تغییر، در فرم‌بندی تصاویر، دنیای قابل تغییر داستان تحریف شده است.</p>	<p>«و راه افتاد که غذا پیدا کند»</p> <p>... کرم ابریشم، برای یافتن غذا به راه می‌افتد. خورشید در صفحه بالا رفته، آغاز روز و حرکت کرم ابریشم، در پرتو نور، مصمم به راه می‌افتد (نوع قرارگیری کرم در صفحه تصویر، این حالت را القاء می‌کند)، در حالی که راهی که باید طی کند، در صفحه مقابل تصویر شده است.</p> <p>... تصویرگر، با پله پله کردن صفحات کتاب و قراردادن تصویر سیب، گلابی، الو، توت فرنگی و پرتقال در هر پله، صحنه‌ای هنرمندانه از کنش‌های کرم ابریشم را به مخاطب نشان می‌دهد.</p>	<p>متن در تصویر سوم</p>
<p>«یک روز گذشت. شنبه کرم ابریشم یک سیب پیدا کرد. سیب را تا آن جا که می‌توانست، به اندازه خودش سوراخ کرد و خورد، ولی سیر نشد، هنوز گرسنه بود.»</p> <p>... در این متن، اضافه به مسائل و آسیب‌هایی که تاکنون مطرح شد، فصل جدیدی در تخریب داستان گشوده می‌شود؛ با ساخت گزاره «سیب را تا آن جا که می‌توانست، به اندازه خودش سوراخ کرد و خورد»، صدای پند و موعظه و نصیحت شنیده می‌شود.</p> <p>... به کارگیری دو گزاره مشابه «ولی سیر نشد» و «هنوز گرسنه است» که یک معنا را می‌رساند، چه ضرورتی داشت؟</p>	<p>«روز شنبه یک سیب را سوراخ کرد و خورد و اما هنوز گرسنه بود»</p>	<p>متن در تصویر چهارم (سیب سوراخ شده)</p>
<p>«یک شنبه دو تا گلابی پیدا کرد هر دو آنها را سوراخ کرد و خورد و رد شد ولی باز هم گرسنه بود»</p> <p>... متن‌های تهیه شده برای این تصاویر، در این ترجمه مختلف است. این اختلاف، موجب آشفتگی در ذهن مخاطب می‌شود و محور ارتباط‌شناسی اثر را مخدوش می‌سازد.</p> <p>متن در تصویر هشتم (پرتقال):</p> <p>«چهارشنبه پنج تا پرتقال پیدا کرد و گفت: به به چه پرتقال‌هایی، فکر کرد اگر این پرتقال‌ها را بخورم سیر می‌شوم. ولی وقتی پرتقال پنجم را هم خورد سیر نشد و گرسنه بود.»</p> <p>بدین ترتیب، در این ترجمه هدف نویسنده، یعنی دگرذیسی کرم ابریشم و آموزش همراه با لذت و شادی و آرامش به مخاطب، تنها به سیر کردن شکم کرم ابریشم محدود شده است.</p>	<p>تصویر پنجم:</p> <p>«روز یک شنبه دو گلابی را سوراخ کرد و خورد، اما هنوز گرسنه بود.»</p> <p>... متن در این تصاویر، چون تصویر چهارم (سیب) با شکل، قالب‌بندی و محتوا و ترکیب‌بندی یک سان طرح شده است. هدف نویسنده از این اجرا چه بوده است؟</p> <p>نویسنده در این داستان تصویری - مفهومی، قصد آموزش به کودکان این گروه سنی (سه سال به بالا) را دارد. بنابراین، نقطه تمرکز متن، بر روزهای هفته و شمارش اعداد است و از آن جاییکه در کتاب‌های تصویری، موقعیت و شکل‌گیری متن در ارتباط با تصویر، از اهمیت ویژه برخوردار است، با این یک‌سان‌سازی، در واقع، ریتم زیبا و آرامش بخشی برای مخاطب ایجاد می‌شود و او راحت، بدون هیچ گونه فشار اضافه، روزهای هفته را می‌آموزد.</p>	<p>متن در تصویر پنجم و ششم و هفتم و هشتم یعنی تصاویر گلابی، الو، توت‌فرنگی و پرتقال</p>

کمالوند و نظری	صدرنیا	متن در تصویر نهم
<p>– فرم قرارگیری و ترکیببندی متن و تصویر در این ترجمه، تعادل را در هم ریخته و ریتم و هماهنگی میان تصویر و متن را حذف کرده است. – در تصویر خوراکی‌های مورد علاقه مخاطب در این بازنمایی، مبالغه شده است. در حالی که مخاطب در اصل اثر، همراه با خواننده (قصه گو)، نام خوراکی‌ها را با شادی بیان می‌کند و با احساس شادی، در گوشه انتهایی تصویر، با کرم ابریشم همراه می‌شود. اما در این ترجمه، با حذف گزاره «آن شب شکمش درد گرفت و این حس ایجاد نمی‌شود. اریک کارل، مخاطب را دگرگون می‌کند، اما خانم نظری، با استفاده از عبارت «به به چه خبره» و در هم‌ریزی ترکیببندی، تمامی این دنیا را تحریف می‌کند.</p>	<p>ترکیببندی متن در این صفحه: در این تصویر کیک شکلاتی، یک بستنی، یک خیارشور، یک تکه پنیر... و یک قاچ هندوانه در سر تاسر دو صفحه مقابل، در برابر کرم ابریشم گرسنه، صیف بسته است. اما متن در بالای این تصویر، در یک خط مستقیم قرار دارد و اعلام روز، یعنی «روز پنجشنبه»، در بالای همین خط مستقیم نشسته است. در صفحه مقابل، در گوشه انتهایی صفحه، کرم ابریشم از آخرین خوراکی، یعنی یک قاچ هندوانه، بیرون آمده، گزاره «آن شب شکمش درد گرفت»، در منتهی‌الیه صفحه قرار دارد.</p>	
<p>«کرم ابریشم دل درد شدیدی گرفت. روز بعد که جمعه بود، گرم ابریشم حالش کمی بهتر شد چون یک برگ سبز پیدا کرد و پنج تا سوراخ درست کرد و خورد. برگ سبز باعث هضم غذایی شد.» – این بازنویسی، از گزاره‌های اضافه و بی دلیل لبریز است، گزاره‌هایی که اجازه نمی‌دهد مخاطب با کرم ابریشم همراه شود و او را حس کند. گزاره‌هایی که وظیفه تصویر یا مخدوش می‌کند (پنج سوراخ) و موجب می‌شود فضای ارتباطی و بازی مخاطب با اثر حذف شود. زیرا وقتی در متن، کلمه «پنج» آمده، دیگر مخاطب با انگشت‌های کوچک‌پوش، شروع به شمارش سوراخ‌ها بر روی برگ سبز قشنگ نمی‌کند. – گزاره «برگ سبز باعث هضم غذایی شد»، جلوی سؤال کردن و چرا گفتن مخاطب را می‌گیرد.</p>	<p>«روز بعد باز هم جمعه بود. کرم ابریشم برگ سبز قشنگی را سوراخ کرد و خورد و حس کرد که حالش بهتر شده است.» – گزاره «روز بعد باز هم جمعه بود» چرخه هستی و گذر روزهای هفته را به مخاطب یادآور می‌شود. از طرفی بدون آن که چون ترجمه کمالوند، بیان دوباره‌ای داشته باشد، به کودک می‌گوید شروع مدار داستانی (بیرون آمدن کرم ابریشم از تخم) روز جمعه بوده است. در حالی که در ترجمه کمالوند، این بازنمایی، در تکرار غیرضروری در ابتدای مدار داستانی آمده است. گزاره «حس کرد که حالش بهتر شده است»، چرایی و دلیل این بهبود را به عهده مخاطب می‌گذارد.</p>	متن در تصویر ده
<p>«کرم ابریشم دیگه گرسنه نبود. لاغر و کوچولو هم نبود، بلکه بزرگ و چاق شده بود.» – در این ترجمه، هم‌ترازی واژه‌های لاغر و کوچولو و واژه‌های چاق و بزرگ، مخاطب لاغری را که همواره مورد پند و اندرز و سرزنش بزرگسالان است، با تحقیری دوباره مواجه می‌کند (تو که لاغری، تو که غذا نمی‌خوری، کوچولو می‌مانی و بزرگ نمی‌شوی). کرم ابریشم پرخور، بدون هیچ‌گونه پیام مستقیمی، بیان می‌کند. مترجم و بازنویس محترم، به علت عدم ارتباط با مدار داستانی و عدم شناخت از روان‌شناسی رشد، کارگرد شناخت‌شناسی اثر را مخدوش کرده‌اند. آنها با این روش، حق ارتباط و گفت و گوی مخاطب لاغراندام یا داستان را نادیده گرفته و بزرگسال قصه گو را با استفاده از واژه‌های مورد بحث، خوشحال ساخته‌اند.</p>	<p>«حالا دیگه گرسنه نبود – و دیگه گرم ابریشم کوچولو هم نبود، بلکه کرم ابریشم بزرگ چاق و چله‌ای بود.» – واژه‌های داستان «اریک کارل»، همه و همه، نشانه‌ای از درک عمیق خالق اثر، از روان‌شناسی رشد شخصیت کودک دارد. زمانی بر کرم ابریشم گذشت. حالا بزرگ شده است. او چاق و چله هم شده است. – به کارگیری واژه چاق و چله، به عنوان نشانه شخصیتی – جسمی برای کرم ابریشم، این تفسیر را خلق می‌کند.</p>	متن در تصویر یازده





کمالوند و نظری	صدرنیا	متن در تصویر دوازده
<p>«کرم ابریشم یک خانه تنگ و محکم برای خودش درست کرد. آن یک پیله بود. دو هفته در پیله اش ماند بعد از دو هفته یک سوراخ کوچک در آن درست کرد و به آرامی بیرون آمد و...»</p> <p>– عبارت تکراری «دو هفته ای در پیله اش ماند، «بعد از دو هفته...» گزاره های کوتاه و تأثیر گذار را حذف کرده، متن جای سؤال برای مخاطب نمی گذارد.</p>	<p>«پیله ای به دور خود تنید، و بیش از دو هفته توی پیله ماند. آن وقت پیله را سوراخ کرد و از آن بیرون آمد و...»</p> <p>– سؤال های مختلف در ذهن مخاطب شکل می گیرد:</p> <p>پیله چیست؟</p> <p>سوراخ پیله چگونه است؟</p> <p>چگونه از پیله خارج می شود؟</p>	<p>متن در تصویر سیزده</p>
<p>«کرم ابریشم ما دیگر ابریشم بود، پروانه شده بود. یک پروانه کوچک و رنگارنگ و قشنگ.»</p> <p>– سه گزاره ای که وظیفه تصویر را برعهده گرفته اند. از طرفی راز شعرگونه هستی و دگرپرسی کرم ابریشم، در این پرگویی، به فراموشی سپرده می شود.</p>	<p>«او... حالا یک پروانه زیبا بود»</p> <p>– گزاره ای بسیار کوتاه و رازآمیز. این گزاره، ابهام رازگونه هستی را در ذهن مخاطب کوچولو حک می کند.</p>	<p>صفحه پایانی</p>
<p>با حذف صفحه پایانی، مخاطب به صفحه جلد می رسد.</p>	<p>رنگ هایی که برخلاف صفحه آستر بدرقه و نیم عنوان، تمامی فضای را پر کرده اند و سوراخ هایی بر آن ها. سوراخ هایی که حالا مخاطب کوچولو می داند کی آنها را به وجود آورده است. مخاطب، زمانی را با کرم ابریشم داستان طی کرده است. حالا با این تصویر مخاطب به کرم ابریشم های دیگر و پروانه های فکر می کند و از دنیای داستان خارج می شود.</p>	



بدین سان، خانم ها کمالوند و نظری، با حذف نام نویسنده و تصویرگر و اضافه کردن اصطلاح «بازنویسی» بر کتاب «کرم ابریشم بسیار گرسنه»، هرگونه تحریفی را بر اثر روا دانسته و آن را از کارکردهای ارزشمندش تهی ساخته است.

در ضمن، این روش کار، یعنی تحریف و تخریب آشکار داستان تصویری توسط ایشان، در دو کتاب «چه کسی برای خرس کوچولو وقت داشت؟» و «خواهر کوچولو دوستت دارم» چاپ گلبن - ۱۳۷۹ نیز به چشم می خورد.